

## راز دوگانگی‌ها

خوبی و بدی، دوست و دشمن، کفر و ایمان، مرگ و زندگی و بود و نبود! هر پدیده و معنایی در این جهان دوگانه است و با ضدش سنجیده و فهم می‌شود. چرا هیچ چیزی به‌خودی خود شناخته نمی‌شود و برای فهم شدن محتاج ضد خویش است. این دوگانه‌ها قبل از آنکه ضد یکدیگر باشند زوج همدیگر و جانشین یکدیگرند: «و خداوند از هر چیزی یک زوج آفرید تا بتوانید به یاد آورید و دریابید.» قرآن -

این زوج‌ها هم لازم و ملزوم یکدیگرند و هم ضد یکدیگرند و محتاج به هم هستند و بدون هم نه امکان بقا دارند و نه امکان شناخته شدن! مثل زن و مرد و شب و روز! این دوها و دوگانه‌ها به‌لحاظ مادی جایگزین هم هستند و به‌لحاظ معنوی هم تعریف کننده یکدیگرند. مثل بود و نبود هم هستند. و آن کسی و چیزی که در آن واحد به‌خودی خود هم هست و هم نیست که بود و نبودش یگانه است خداست که خود خالق این دوهاست که دوستان و دشمنان یکدیگرند در آن واحد! درست مثل بود و نبود!

طبق تعریف قرآن کریم، خداوند همواره برتر از آن است که وصف می‌شود. اگر برتر از وصف است پس برتر از قلمرو محسوسات و معلومات و صفات است که وصف می‌شوند. پس خدا همیشه برتر از آن است که هست هرچند که هر آنچه که هست نیز ظهور و تجلیات اسماء و صفات خداست ولی ذاتش در ورای این ظهورات است که مترادف نبود است زیرا هر چه که در وادی هستی درک می‌شود و وصف می‌گردد بیان ذات او نیست.

با این حال آنچه که هست اوست و آنچه که نیست نیز اوست و آنچه که نیست برتر است از آنچه که هست. این دوگانگی بود و نبود یا ذات و صفات سرچشمه همه دوگانگی‌های بشر در قلمرو ادراک و بیان است. گوئی که خدا همواره دوتاست در کل عالم هستی و نیز در یکایک تجلیاتش در کلیه پدیده‌های جهان!

«بگو که خیر و شر هر دو از اوست.» قرآن کریم - این واضح‌ترین تجلی دوگانه خداوند در جهان است تجلی خیر و شر!

همواره هر آنچه که هست و می‌نماید و جلوه می‌کند و حس و درک می‌شود شر است در مراتب شرارت! و خیر در ورای محسوسات و واقعیات و موصوفات قرار دارد یعنی در وادی فنا!

حتی دین خدا نیز دارای دو جلوه خیر و شر است: دین اصیل و دین جعلی! دین ایمانی و دین تقلیدی! دین رحمانی و دین شیطانی!

و لذا در قرآن کریم می خوانیم که: «بگو پناه می برم به پروردگار شکافنده امور از شر هر آنچه که آفریده است!!» پس هر آنچه که در جهان محسوسات یافت می شود شر است. و اما خیر این امور در باطن و آخرت و ماورای جهان است یعنی امری معنوی و روحانی و شهودی است نه مادی و دنیوی!

جهان هستی تجلی و ظهور کلمة الله (ال لا) است. ظهور ال و لا! معروف و منکر، بود و نبود! نور و ظلمت، خیر و شر! و این هر دو از ذات احدی اوست که انسان را به خیر و شر می آزماید. و هر که از این آزمون رها شد و از سیطره خیر و شر خارج شد لایق وجود یگانه اوست.

اگر خداوند انسان را در وادی خیر و شر می آزماید پس سخن از شناخت و معرفت و علم و عقل است وگرنه آزمون هیچ معنائی نمی تواند داشته باشد.

و اگر از دین مبین اسلام اشد رحمت ها و شقاوت ها در مردمان رخ نموده است به دلیل همین اشد آزمون هاست که در ذات دینش قرار دارد که حاصل اشد خیر و شر هاست که دامنگیر مدعیان دین می شود. و لذا صبر از برترین صفات و ارزش ها و اخلاقیات دینی در قرآن کریم است که از ویژگی خاص انبیاء و اولیاء و متقین است.

و بار دگر درک می کنیم که هیچ شناختی ممکن نیست الا در وادی تجربه تناقضات و تضادهائی که از خیر و شر امور برمی خیزد.

و اگر شاهدیم که اشد بلایا و شرها دامنگیر انبیاء و اولیای الهی می شود به دلیل آنست که کمال معرفت و عقلانیت نیز از این تناقضات و نبرد بین خیر و شر پدید می آید. گاه اشد شر و بلا از اشد خیر و نیکی و ایمان و اخلاص برمی خیزد و گاه اشد خیر و رفاه و پیروزی از غایت کفر و شقاوت حاصل می آید. و همه اینها آزمونی است که در دل و اندیشه اهل تقوا واقع می شود.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۵/۰۶